



پژوهشگران به جای حل مسائل مشهد مسائل شهرهای اروپایی را حل می کنند!

رضاحمت کش

برنامه ریزی همیشه باید بر مبنای آمار و اطلاعات علمی و دقیق باشد. آنجا که مدیریت برای توسعه پایدار خود را مهیا می کند به طور حتم نیازمند برنامه ریزی علمی و پژوهش محور است. گاهی این پژوهش ها در نظام های اداری دچار چالش ها و اختلالاتی می شوند که باید بررسی و آسیب شناسی شوند. شهرداری مشهد خود را سازمانی پژوهش محور می داند این مدعا را با محمد مهدی برادران معاونت برنامه ریزی و توسعه شهرداری مشهد به بحث و گفت و گو گذارده ایم. متن حاضر حاصل این گفت و گو است.

از منظر معاونت برنامه ریزی و توسعه شهرداری، پژوهش در واقعیت و نه شعار و برنامه ها، در حال حاضر چه جایگاهی در توسعه شهری دارد و چه جایگاهی باید داشته باشد؟

من معتقدم در مجموعه مدیریت شهری، مشابه سایر سازمان هایی که در فضای اجتماعی هستند، ما نسبت به رویکردهای علمی در سطح اجتماعی و تصمیم گیری های علمی فاصله داریم، چون نمی توان مدعی شد یک جزء از سیستم می تواند به مراتب بهتر از سایر اجزای سیستم عمل کند. گرچه من در این حوزه نقش پژوهشگران و نهادهای پژوهشی را پررنگ می دانم و برای پوشش این ضعف باید این مجموعه ها، رسالت اصلی خودشان را ایفا کنند. مثلاً موضوع برنامه ریزی شهری یک رشته دانشگاهی است، موضوع شهر و شهرنشینی یک مسئله مهم در دنیاست ولی نگاه ما فقط نگاه تهدیدی به شهرهاست مانند کوچک سازی شهرها و جلوگیری از مهاجرت و... و لذا از فرصت های موجود درست استفاده نمی کنیم و در تصمیم گیری ها برای برنامه ریزی شهری که ۷۰ درصد جمعیت کشور را پوشش می دهد، کمترین مطالعات، اقدامات، پژوهش ها و تصمیمات راهبردی صورت می گیرد. در افاق ۱۳۹۵ پیش بینی شده بود مشهد ۵ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر جمعیت داشته باشد، در حالیکه الان با آن خیلی فاصله داریم. این نشان دهنده آن است که ما از ادبیات کار علمی دوریم. پژوهش یک عنوان خیلی عام است. در این وضعیت یک افکارسنجی با ۱۰۰ مخاطب، یک برآورد آماری ساده و مطالعه جامع یک سند بالادستی، همگی پژوهش محسوب می شود. کسی که امروز فارغ التحصیل دانشگاه می شود و کسی که سال هاست در دانشگاه مطالعات پژوهشی انجام می دهد، هر دو پژوهشگر محسوب می شوند. شرکت تازه تاسیس و شرکت با سابقه در امر پژوهش، یکسان در نظر گرفته می شوند. کسی

که ۳۰ سال تدریس دانشگاهی داشته و کسی که ۳۰ روز جستجوی اینترنتی داشته است، هر دو می توانند کتاب پژوهشی بنویسند. نظام پژوهشی که می خواهد به تمام مطالعات کشور نظم ببخشد ابتدا خودش باید نظام مند شود.

آیا نظام شناسایی شما اشکال نداشته است؟ افراد توانمندتری در این عرصه وجودنداشتند؟ نمی خواهیم بگوییم ما به طور مطلق درست عمل می کنیم، ما هم بخشی از همین پازل هستیم. اما طراحی نظام پژوهشی وظیفه ما نبوده است بلکه باید توسط دانشگاه و مجموعه های بالادستی و وزارتخانه ها تبیین و سیاست گذاری بشود. دفاتر ارتباط صنعت و دانشگاه در برخی حوزه ها توفیقات خوبی داشتند مخصوصاً در حوزه های صنعتی، اما در جاهایی که به نظامات اجتماعی و انسانی و برنامه ریزی های مدیریتی مربوط می شود، دچار چالش هستیم. دانشگاه ها از این عرصه برای منفعت طلبی استفاده می کنند، فقط موضوع پژوهش را دریافت می کنند و آن را به پژوهشگری می دهند و سود خود را دریافت می کنند.

این موضوع دو طرفه است. اشکالات شما به بخش عرضه مربوط می شود، اما در سمت تقاضا هم، سیستمی شکل گرفته است که در آن مدیران به دنبال کار پژوهشی سمبلیک بوده اند. یعنی مدیران بیشتر به دنبال یک پژوهش برای اثبات نظر خودشان بوده اند تا نتیجه گیری علمی واقعی. به نظر می رسد تقاضا برای پژوهش هم خیلی مسئله محور نبوده است.

این موضوع دوطرفه است. وقتی دانشگاه شریف،

برندیک علمی کشور را به حراج علمی بگذارد، کسی هم پیدا می شود که به آن طمع می کند. همه دوست دارند که آرم دانشگاه شریف کنار کتاب آن ها بیاید. همه دوست دارند به عنوان سخنران دانشگاه شریف مطرح شوند. در حالیکه ما برای اخذ مجوز یک نظام پیشنهادی برای جهاد دانشگاهی، بیش از یک سال در حال رایزنی با ممیزی هستیم، بخش هایی هم هستند که به نظر می رسد آنجا هستند تا پول بگیرند و گواهی صادر کنند. چطور می توان به تفاوت این ها پی برد. تا زمانی که خود این نظام پژوهشی نظم پیدا نکند، نمی تواند بقیه را منظم کند. **اینکه ما در مسائل پیش آمده، با تحقیق و پژوهش به سمت حل آن پیش برویم بسیار مناسب و مفید است، هر چند به نظر می رسد همین هم نیست و بیشتر پژوهش های صورت گرفته شبیه یک ژست برای جلوگیری از انتقادات و اشکالات است. اما کارهای علمی و پژوهشی وجه دیگری هم دارد که ناظر به آینده پیش بینی ها است. چقدر معاونت برنامه ریزی و توسعه در کارهای توسعه ای به پژوهش اعتقاد و التزام دارد؟**

پژوهش باید بر اساس مسئله شکل بگیرد و کارهای پژوهشی همیشه مسئله محور هستند، حتی در مسائلی که مربوط آینده است. اتفاقاً تدبیر حکم می کند بیشتر به فکر حل مسائل آینده باشیم. نکته ای که هست اینکه مسئله چیست و از کجا شکل می گیرد؟ متأسفانه بسیاری از مدیران ما فقط به دنبال پژوهش هستند، به دانشگاه می گویند هر پژوهشی که مربوط هست

خودتان انجام دهید، موضوعش را هم خودتان انتخاب کنید. هر پژوهشی که در معاونت برنامه ریزی بخواهد صورت بگیرد، گروه آمار باید پیوست آماری آن را اعلام کند. آیا اطلاعاتی درباره این مسئله وجود دارد؟ این اطلاعات دقیق هست؟ در مثال جمعیت مشخص بود که نبود یک برنامه و پژوهش مشخص منجر به چه نتایج اشتباهی می شود. اطلاعات آماری آبان ۹۰ هنوز در اختیار شهرداری ها قرار نگرفته است. ما به عنوان بهره بردار این اطلاعات و تهیه کننده این آمار، هنوز در دسترس خودمان قرار نگرفته است. من در

شهرداری آنکارا دیدم که آن ها آمار دقیق خانه ها و ساکنان هر خانه را به طور مشخص دارند. در حالیکه ما هنوز آمار دقیقی از جمعیت شهر مشهد نداریم. مرکز آمار می گوید شهرستان مشهد ۳ میلیون و ۵۰ هزار نفر جمعیت دارد و شهر مشهد هم دو میلیون و ۷۵۰ هزار نفر جمعیت دارد، اختلاف آن ها ۳۰۰ هزار نفر جمعیت حاشیه نشینی شهر مشهد از لحاظ جغرافیایی است. از لحاظ بافت جمعیتی، بسیاری از ساکنین اطراف شهر هیچ تفاوتی با مرکز شهر ندارند چه از حیث فرهنگی و چه از حیث خدمات، یعنی این عدد بسیار کوچک تر است.

بارها اعلام شده است بیش از ۲۰ میلیون زائر در سال وارد مشهد می شوند، یک نهاد اعلام نکرده است که این آمار از کجاست؟ عمده مشکل ما تحلیل وضع موجود است. اگر می توانستیم روندهای جمعیتی را به درستی تحلیل کنیم متوجه می شدیم که به پیری جمعیت دچار شده ایم. چرا دیر متوجه شدیم، زیرا تحلیل آماری ما عقب است. تحلیلی که مربوط به دهه هفتاد بوده است را در دهه نود استفاده کرده ایم و متوجه تفاوت جمعیتی نشدیم. لذا چالش ها با این وضعیت طبیعی است. امروز بسیاری از رویکردها در سطح دنیا عوض شده است، مثلاً دیگر حساسیتی نسبت به افزایش جمعیت شهری وجود ندارد. امروزه شهر مرکز اقتصاد توسعه شهری است. یعنی شهری موفق است که بتواند جمعیت را جذب کند، گردشگر را جذب کند، کار و زمینه سرمایه گذاری ایجاد کند.

پیوست آماری چه جایگاهی در پژوهش ها دارد؟

فاز صفر در هر پژوهشی، آمارگیری اولیه است. یعنی باید پایه اولیه پژوهش های ما، آمار باشد. متأسفانه گاهی می بینیم که در پژوهش ها از این آمار استفاده می کنند و برای توجیه پژوهش هایشان، به یک شرکت آماری می گویند تا با یک آزمون ابتدایی، این آمار را اثبات کنند. مدیر گروه دانشگاه فردوسی به من می گفت دانشجویان ما، مقالاتی برای سطح ژورنال های بین المللی می نویسند و برای مسائل و مشکلات شهرهای اروپایی راه حل ارائه می دهند، در حالیکه مسائل شهر خودمان باقی مانده است. یعنی دانشگاه فردوسی مشهد کاری برای حل مشکلات شهر مشهد انجام نمی دهد. ما تلاش کرده ایم چه در حوزه شهری و چه در حوزه سازمانی موفق عمل کنیم. در حوزه سازمانی، بیشتر به دانش سازمانی همکارانمان اتکا کرده ایم. بودجه عملیاتی که ما ارائه کرده ایم برگرفته از ۲۵۱ هزار رکوردی است که همکاران خودمان در این نرم افزار ثبت کرده اند. **بنابر اظهار نظر برخی کارشناسان، شهر یک موجود زنده است و برای برنامه ریزی آن، قطعاً باید از شرایط فرهنگی و اجتماعی سلول های این موجود زنده که افراد این شهر هستند اطلاع داشته باشیم. در این رابطه پیوست اجتماعی چقدر مورد توجه شما قرار گرفته است؟ مثلاً چقدر به آثار اجتماعی طرح های شهری توجه می شود؟**

در طرح مطالعات جامع، نظرسنجی صورت گرفت و اولویت های شهری از نظر خود مردم بررسی شد. در طرح مطالعات حمل و نقل، رفتارهای مردم سنجیده می شود. در تمام اقدامات شهری، این پیوست وجود دارد یعنی برای طرح هایی مانند همین من کارت، هم آثار اجتماعی و هم آثار اقتصادی آن ارزیابی شده است، اما بدون نظام آماری و پژوهشی مناسب و برنامه ریزی منسجم، نمی توان به پیوست های مناسب رسید. مهندسی ارزش که با همراهی و تکلیف شورای اسلامی شهر تدوین شد، به اقتصادی کردن پروژه ها و ناظر کردن مصرف کننده کمک می کند که اقدامی برای بررسی های اجتماعی پروژه هاست. به عنوان نمونه پارک علم و فناوری مشهد که دارای یکی از بهترین مدیریت های سطح کشور است، چه مقدار بودجه برای آن پیش بینی شده است و چه قدر توانایی احیای شرکت های زمین خورده را دارد؟ ما برای جذب و حفظ یک نیروی کاربلد در شرکت های دانش بنیان دچار مشکل هستیم، تا او دغدغه مالی برای ادامه کار نداشته باشد.